خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام شجونی ۹

دستگیری در قم و اعزام به تهران

* چنان مرا با شلاق زدند که لباس من تماماً پاره شد. بدنم این قدر متورم و سیاه شده بود، مثل این که مار بغلم خوابیده بود. هیچ وسیله‌ای هم نداشتم که خون بدنم را پاک کنم. در و دیوار و مستراح زندان، همه‌اش پر از خون شده بود.

از همین افرادی که اسم بردم، یکی را گرفتند. او زیر شلاق چند نفر را لو داده بود ولی مرا لو نداده بود تا این که یکی از این آقایان را- که حالا لزومی ندارد اسمش را بیاوریم- تحت فشار قرار دادند. ابتدا، گفت که من نمی‌گویم و بعد، گفت یک نفر در مدرسه فیضیه است. آن وقت، من به مدرسه فیضیه آمده بودم و در حجره یکی از دوستان نشسته بودم. اعلامیه را وقتی نوشتیم که سکونت من در دارالشفاء بود ولی بعد، زیر حجره مرحوم صاحب‌الداری آمده بودم و آنجا سکونت داشتم و در کنج مدرسه باقری، داخل حجره‌ای بودم. معلوم شد که به هر حال، این آقایی را که تحت فشار قرار داده‌اند، گفته بود که والله یک نفری در مدرسه فیضیه حجره دارد و اول فامیلش حرف «ش» است. او خودش را با گفتن این که مثلاً اول فامیلش «ش» است نجات داده بود و به خاطر تعهد شرعی، اسم نیاورده بود.

رئیس آگاهی قم هم از آن بلاها بود. حالا اسمش یادم رفته؛ اصلاً استاد این فن بود. این آقا آمده بود مدرسه فیضیه مدام می‌گفت مثلا شریعتی کیست؟ شیرازی کیست؟ و از این حرفها، تا رسید به ما. دیگر مستقیم به حجره من آمد و مرا خبر کردند که آقای شجونی، یک بیست دقیقه عرض دارم. کجا؟ شهربانی. من قبلاً جریان را به رفقا گفته بودم اما یک بنده خدایی به نام آقای محقق- که مرد ساده دل شمالی بود- با این که طلبه‌ها می‌دانستند نباید اسم مرا بیاورند؛ گفته بود که الان، من او را در آن حجره دیدم. بالاخره، آمدند مرا گرفتند. آقای محقق بعدها خودش را ملامت می‌کرد و می‌گفت: «مرا ببخش». مرا به شهربانی قم آوردند. آن وقت، در تهران حکومت نظامی بود. سرهنگ سجادی، رئیس شهربانی، با ملایمت با من رفتار می‌کرد. البته، در میان کلماتش خیلی فحش بود.

رئیس شهربانی که به او «قزل ایاق» می‌گفتند (مرحوم عبدالحسین واحدی- که خدایش بیامرزد- به او «قزل‌الاغ» می‌گفت) آمد گفت: «خیلی خوب! تو اینجا اقرار نمی‌کنی؟ تو را به تهران می‌فرستم تا سربازها آنجا حالت راجا بیاورند تا آن وقت اقرار کنی». من دیدم او واقعاً باطن عجیبی دارد و حرف‌های رکیکی هم می‌زند.

چون ظاهری عبا به دوش داشت و بالای سر حضرت معصومه(ع) ظاهر می‌شد و نماز می‌خواند، جزو رفقای آقای حاج احمد خادم، نوکر آقای بروجردی بود. سپس ما چند نفر را دستبند زدندو چشمان‌مان را بستند. او- رئیس شهربانی- بعد هم به من گفت: «برای نجات خودت در نماز، هزار بار «قل هوالله» بخوان». گفتم: «تو مرادستبند می‌زنی، چشمم را می‌بندی و می‌فرستی راه‌آهن قم که از آنجا به راه‌آهن تهران بفرستند و از آنجا به فرمانداری نظامی؛ بعد برای نجات خودم هزار بار «قل هوالله» بخوانم؟!» گفت: «همین که هست؛ اعلامیه دادید.»

ما چهار نفر را به راه‌آهن تهران آوردند و به قسمت فرمانداری نظامی بردند. یک افسر می‌گفت که سرنوشت فدائیان اسلام یا زندان است یا اعدام. رفقای من با ترس و لرز گریه می‌کردند که چه می‌شود؟ گفتم: «هیچی نمی‌شود.» بعد ما را به باغ شاه آوردند. من آنجا، روی خاک چیزی نوشتم. افسرها ریختند ببینند چه نوشته‌ام؟ دیدند که نوشته‌ام «این نیز بگذرد». روحیه من عجیب بود. بعد ما را به حظیرةالقدس بهائی در خیابان حافظ- که الآن حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است- آوردند. ما را گوشه زندان بردند. زمستان بود و سرما. حدود دی ماه بود واقعاً از سرما می‌لرزیدم. پنجره‌های حظیرةالقدس را هم کنده بودند و اصلاً پنجره نداشت. ظاهراً به خاطر آن که مردم علیه بهائی‌ها آنجا ریخته بودند و بعد به تصرف فرمانداری نظامی درآمده بود[1]. مردم پنجره‌های اتاق‌های اطراف حیاط را کنده بودند. پنجره‌های خود ساختمان محکم بود و نتوانسته بودند بکنند به طوری که الآن هم سرجایش است. ما یک مدتی آن جا بودیم به ما جیره نمی‌دادند، پتو نمی‌دادند. یک استوار دلش به حال ما سوخت و شب‌ها یک تخت پتو با یک کاسه آش، پنهانی می‌آورد. می‌گفت: «نگویی که من آوردم» ما هم چند غازی پول داشتیم که به این سربازان می‌دادیم و آنها برای ما یک مقدار کره و پنیر می‌خریدند که با نان لواش می‌خوردیم. وضع ما آنجا خیلی بد بود. فکر می‌کنم در حدود یک هفته تا ده روز بیشتر نبودیم، ولی در بدترین جا با بدترین شرایط بودیم. آنجا یک بخاری سنگی داشت که سهمیه زغال سنگ هم نمی‌دادند که ما بریزیم. خیلی سرد بود. آنجا به ما خیلی سخت گذشت. واقعاً بدترین شلاق‌ها را سرگرد عمید به ما می‌زد. سرگرد عمید- که در اواخر پیروزی انقلاب تیمسار شد و رئیس ساواک مازندران بود- در آن ساختمان بزرگی که در ساری محل ساواک بود، اقامت داشت. آن وقت سرگرد بود. پدرش روحانی و اهل قم بود. او مرا خیلی اذیت می‌کرد. مثلاً یک سرباز بالای سرم می‌نشست و یک سرباز هم روی پایم. عبا و لباده‌ام از این گاواردین‌های انگلیسی بود که پارچه‌اش خیلی کت و کلفت بود ولی چنان مرا با شلاق زدند که لباس من تماماً پاره شد. بدنم این قدر متورم و سیاه شده بود، مثل این که مار بغلم خوابیده بود. هیچ وسیله‌ای هم نداشتم که خون بدنم را پاک کنم. در و دیوار و مستراح زندان، همه‌اش پر از خون شده بود. به بدنم دست می‌زدم و پنجه‌های خونی را به دیوار می‌زدم. یکی از اعضای حزب توده هم آنجا بود که خیلی خوش مزه بود و الآن اسمش یادم رفته است.

* ما چهار نفر را به راه‌آهن تهران آوردند و به قسمت فرمانداری نظامی بردند. یک افسر می‌گفت که سرنوشت فدائیان اسلام یا زندان است یا اعدام.

---

[1] ۱- در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۳۴ در اثر تظاهرات شدیدی که از طرف مردم تهران و شهرستان‌ها علیه فرقه ضاله بهائیت صورت گرفت، عده‌ای از مردم بازار و جنوب تهران برای تخریب حظیره‌القدس، مرکز اجتماع بهائیان، حرکت کردند. در این هنگام، تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران به اتفاق تعدادی از نیروهای مسلح، محل مزبور را اشغال کردند و بلافاصله، نسبت به تخریب آن اقدام نمودند و فرماندار نظامی، این محل را به رکن دوم ستاد اختصاص داد. (باقر عاقلی، پیشین، ص ۵۱)

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳
Research@kayhan.ir

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) - ۵

چگونه خانم دباغ در محاصره ساواکی‌ها دوستانش را از خطر آگاه کرد؟

ارتباط با مراکز دانشگاهی

علاوه بر این فعالیت‌ها و حرکت‌ها، من به واسطه خواهرزاده‌های شوهرم، عراقچی‌ها، قیطانی‌ها و سجادی‌ها که هر یک دانشجوی یکی از دانشگاه‌های تهران بودند،[1] با دانشجویان مبارز دانشگاه‌های علم و صنعت و آریامهر (صنعتی شریف) و ملی (شهید بهشتی) ارتباط برقرار کرده جلسات مشترکی را برگزار می‌کردیم؛ و به کمک این دانشجویان اعلامیه‌های زیادی تکثیر و در سطح دانشگاه‌ها پخش می‌کردیم و نیز به یاری ایشان پایگاه‌ها و مراکزی در شمال (تنکابن)، جنوب (آغاجاری) و غرب (همدان) کشور ایجاد و فعالیت‌ها را سازمان‌دهی می‌کردیم. برای لو نرفتن این پایگاه‌ها تدابیری اندیشیده بودیم. یکی از این تدابیر این بود که ارتباط در این پایگاه‌ها با افراد گروه تشکیلاتی بود و هر کس تنها با رده بالاتر از خودش در ارتباط بود؛ و به رمز و نام مستعار او را می‌شناخت البته افراد یک حوزه و پایگاه همدیگر را می‌شناختند، ولی هیچ ارتباطی با گروه دیگر نداشتند؛ و از آنها فقط یک نفر با گروه یا گروه‌های دیگر ارتباط داشت.

البته به علت کثرت و حجم فعالیت‌ها تعدادی دستگیر شدند، که بخشی از این آسیب به تیزهوشی ماموران ساواک برمی‌گشت، که الحمدلله به خاطر به کار بستن این تدابیر، به گروه دیگر لطمه‌ای نمی‌خورد.

سفری کوتاه به انگلستان

فرزند کوچکم، محمد، تنها پسر خانواده، در آن سال‌ها مبتلا به ناراحتی قلبی و ریوی بود. پزشکان از درمان و معالجه‌اش در ایران خیلی مطمئن نبودند؛ و سفر به اروپا و معالجه در خارج از کشور را برایش توصیه کردند.

هیچ چیز در آن موقعیت برای ما به اندازه سلامتی محمد ارزش و اهمیت نداشت و باید او را به خارج می‌بردیم. ولی چون تنگنا و مشکلات مالی داشتیم، این امر به نظرمان محال می‌آمد. این مشکل را با برادران تشکیلات شاخه بازار در میان گذاشته از آنها کمک و مشورت گرفتیم، دوستان به محض اطلاع، مبلغی پول جمع‌آوری و بدون هیچ شرط و شروطی در اختیارمان گذاشتند، پس از مشورت با همسرم، قرار شد که من با محمد بروم.

مقدمات سفر خیلی ساده و روان انجام شد. برادران بازار حتی هم‌آهنگی‌های لازم را در انگلستان برای تعیین بیمارستان و محل اقامت انجام داده بودند. وقتی به انگلستان رسیدیم به بیمارستان مورد نظر رفتیم، پزشک معالج و کادر بیمارستان به سرعت محمد را معالجه کردند، من مرتب شفای واقعی‌اش را از خدا می‌طلبیدم. الحمدلله معالجات با موفقیت انجام شد.

در مدتی که محمد در بیمارستان بستری بود من توانستم از وضعیت آن جا اطلاعاتی به دست آورم و با اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا و آمریکا آشنا شوم. اطلاعات و ارزیابی‌های من از این سفر در آینده‌ای نه چندان دور خیلی به دردم خورد.

به هر حال پس از مداوای محمد به ایران بازگشتیم...

یورش ماموران ساواک به خانه

در سال ۱۳۵۱ تصمیم داشتیم که بر تعداد پایگاه‌ها و خانه‌های امن گروه بیفزاییم و افراد بیشتری را جذب کنیم، برای این مهم بایستی راه‌های بسیاری را پیش می‌گرفتیم. یکی از بهترین راه‌ها این بود که با معرفی دختر و پسری مسلمان به هم آنها را به ازدواج و زندگی مشترک ترغیب می‌کردیم. پس از شکل‌گیری هر ازدواجی خانه و پایگاه‌هایی برای بچه‌های مبارز فراهم می‌شد. دو تن از دختران من در سن سیزده، چهارده در راستای همین سیاست ازدواج کردند. البته برای ازدواج این دو، به خاطر سن کمی که داشتند منع قانونی داشتیم؛ از این رو به بهانه‌های مختلف اجازه تزویج آنها را از دادگاه می‌گرفتیم. البته در این پیشنهادها و معرفی‌ها، تا حد ممکن کمک‌های مالی و امکاناتی نیز تدارک می‌دیدیم.

در سال ۱۳۵۲ شبی، مراسم یکی از این زوج‌ها به نام صادق سجادی - خواهرزاده شوهرم - در منزل ما برقرار بود. فردای آن شب، طبق معمول هر روزه برای بردن سطل زباله دم در رفتم، تا در را باز کردم؛ فردی پایش را لای در گذاشت. گفتم: فرمایش؟! گفت که آقای فلانی این جایند، پاسخ دادم: «بر فرض این جا باشند، به شما چه ربطی دارد؟!» گفت: «ربطش را بعداً می‌فهمید، در را باز کن بیاییم داخل!» با این جمله فهمیدم که او تنها نیست و حدس زدم که باید از ماموران ساواک باشند. لحظه اول کمی هول کردم ولی سریع بر خود مسلط شدم و خود را به بی‌خبری زدم و صدایم را بالا برده گفتم: «دختران من در اتاق خواب هستند و سرشان باز است، شما که نمی‌توانید داخل شوید اصلا شما که هستید چکاره‌اید؟!» آنها از ترس این که سر و صدای من، دیگران را متوجه آنها کند، در حالی که کمی دست‌پاچه شده بودند و به درها و پنجره‌های نیمه‌باز داخل کوچه نگاه می‌کردند، گفتند: نباشد، زیاد سر و صدا نکن، دخترها را کجا خوابانده‌ای؟ برو سرشان را بپوشان. به خاطر این که آنها دنبالم نیایند گفتم: «دخترها در اتاق پایین خوابند، شما بروید بالا» با این جمله آنها به دنبال من وارد خانه شدند و گویا تعدادی هم در بیرون ماندند.

من به سرعت به اتاق پایین رفتم و با توکل به خدا، با تمام توانی که داشتم مدارک و اسناد موجود در منزل را جمع‌وجور و پنهان کردم. مقداری از اعلامیه‌های حضرت امام را در پشت کشوی کمد و چند جلد کتاب ولایت فقیه را در داخل یک بالش گذاشتم. خواهر شوهر پیری داشتم که در منزل از او مواظبت و نگهداری می‌کردیم، بالش کتاب‌ها را زیر سر او گذاشتم. تعدادی نوشته و نوار را هم به حمام برده قاطی لباس‌چرک‌ها که ظاهری ناخوشایند داشت، کردم. لگنی را هم روی آن دمر گذاشتم. با سر و صدایی که من دم در راه انداختم، انتظار داشتم خواهرزاده‌های شوهرم که در اتاق بالا بودند متوجه و خودرا پنهان یا فرار کرده باشند. ولی متأسفانه اهمال کرده بودند و دو تن از ایشان به دست مأموران افتادند. این امر، وضعیت خانه را بغرنج کرد. وقتی آن‌ها را چشم بسته از خانه خارج می‌کردند، با بی‌سیم خبر دادند که دو طعمه به تله افتاده‌اند.

در این گیر و دار مأموران از برادر داماد که سن و سال کمی داشت، غافل شدند؛ من از فرصت استفاده کردم و چادری به او دادم و در میان دخترانم نشاندمش. لحظاتی بعد جستجو و تفتیش وسایل خانه شروع شد. همه چیز را به هم ریختند. خواهر شوهرم دایم حرف می‌زد و می‌گفت: «بیایید مرا بگیرید!» و آن‌ها می‌گفتند: «بخواب پیر زن! بخواب!» مطمئن شدم که جای کتاب‌ها امن است.

وقتی کشوهای کمد را بیرون کشیدند و وسایل و لباس بچه‌ها را بیرون می‌ریختند دلم می‌لرزید، خیلی نگران اعلامیه‌ها بودم. از کشوها هیچ چیز نیافتند، به پشت آن جا هم نگاهی نکردند، خیالم از این یکی هم راحت شد.

در آشپزخانه شکر و نمک، نخود و لوبیا و تمام ادویه و حبوبات را به هم ریخته بودند و همه چیز با هم قاطی شده بود. می‌دانستم که در آن جا چیزی وجود ندارد، اما وقتی وارد حمام شدند قلبم تندتند می‌زد، مأموری سبد رخت چرک‌ها را نشان داد و گفت: «لگن را بردار!» گفتم: «این جا چیزی نیست، فقط لباس چرک است.» وقتی مخالفت مرا دید حس کنجکاویش برانگیخته شد و خودش لگن را برداشت. گفتم: «شما مرد هستید! به شرافتتان برنمی‌خورد؟! این جا فقط وسایل و لباس‌های دخترانم هست.» با این جمله و دیدن منظره رخت چرک‌ها، از آن جا هم بیرون آمدند و من نفسی راحت کشیدم.

شش روز در محاصره و اشغال

مأموران وقتی از جستجو نتیجه‌ای نگرفتند، گفتند: «ما دستور داریم چند روزی مهمان شما باشیم!» گفتم: «خب، کاری نمی‌توانم بکنم! ولی خواهش می‌کنم به طبقه بالا بروید، من هفت دختر دارم،وجود شما ایجاد مزاحمت می‌کند.»

آن‌ها به طبقه بالا، همان جایی که نشان دادم رفتند، که اتفاقاً برایشان جای بدی هم نبود می‌توانستند از آن جا همه چیز را زیر نظر داشته باشند. ظهر که شد، پایین آمدند و تقاضای ناهار کردند. من از این همه وقاحت آن‌ها عصبانی بودم؛ ولی خودم را کنترل کردم و گفتم: «ما آب دوغ خیار داریم. بفرمایید!» این غذا به مذاق آن‌ها خوش نمی‌آمد که مأیوس شدند. زیر لب گفتم: «مگر این جا خانه خاله‌تان یا رستوران است!»

در همان روز، دو نفر از کسانی که به خانه ما مراجعه کردند، دستگیر شدند و برای سؤال و جواب به ساواک برده شدند. من دیدم اگر وضع همین طوری پیش رود، خیلی‌ها دستگیر خواهند شد. به فکر چاره افتادم، چند شماره تلفن بر روی کاغذ نوشتم؛ درون اسکناسی دو تومانی گذاشته و به هم راه ظرف کاسه‌ای به دست دختر کوچکم دادم و گفتم که به بهانه خرید شیر به مغازه سرکوچه که فردی مطمئن و در جریان بود، برد و کاغذ را به مغازه‌دار بدهد تا او افراد گروه را از این خطر مطلع کند.

یکی از مأموران به نام پرویز، جلوی دخترم را گرفت و پرسید: «کجا؟!»، من با نگرانی جلو رفتم و گفتم که می‌رود شیر بگیرد. او درون کاسه را و زیر چادر دخترم را نگاه کرد و اجازه داد که برود. اسکناس مچاله شده در دست دخترم بود و او فکر نمی‌کرد که در درون آن کاغذی باشد. خوشبختانه مغازه‌دار با شکی که از صبح به وضعیت خانه پیدا کرده بود با دیدن یادداشت؛ دست به کار شد و خطر را به مرتبطان با ما اعلام کرد. از آن لحظه به بعد ترددها به خانه محاصره و اشغال شده ما قطع شد.

* در همان روز، دو نفر از کسانی که به خانه ما مراجعه کردند، دستگیر شدند و برای سؤال و جواب به ساواک برده شدند. من دیدم اگر وضع همین طوری پیش رود، خیلی‌ها دستگیر خواهند شد. به فکر چاره افتادم، چند شماره تلفن بر روی کاغذ نوشتم؛ درون اسکناسی دو تومانی گذاشته و به همراه ظرف کاسه‌ای به دست دختر کوچکم دادم.

---

[1] ۱- عراقچی‌ها، یکی از دانشجوی مهندسی الکترونیک و دیگری دانشجوی مهندسی راه و ساختمان دانشگاه علم و صنعت؛ قیطانی‌ها، یکی دانشجوی مهندسی راه و ساختمان و دیگری دانشجوی مهندسی برق؛ و از سجادی‌ها یکی دانش‌آموز و دیگری دانشجوی رشته اقتصاد بودند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
شرکت خدمات بیمه‌ای سهام عدالت ایمن دانا (سعاد) به شماره ثبت ۱۲۰۸۸ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۷۷۶۲۲

به اطلاع میرساند مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ شرکت خدمات بیمه‌ای سهام عدالت ایمن دانا (سعاد) راس ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ در محل سالن شرکت سرمایه‌گذاری استان تهران؛ واقع در تهران - خیابان انقلاب - خیابان وصال شیرازی - بن‌بست ماهان برگزار خواهد شد.
بدینوسیله کلیه سهامداران محترم نسبت به معرفی نماینده تام‌الاختیار جهت حضور در جلسه مجمع مذکور اقدام نمایند.
لازم به یادآوری است همراه داشتن اصل معرفی‌نامه و مهر شرکت توسط نماینده الزامیست.
دستور کار جلسه:
۱/ استماع گزارش هیئت مدیره ۲/ استماع گزارش بازرس ۳/ بررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹، ۴/ تصویب بودجه پیشنهادی سال مالی ۹۵، ۵/ انتخاب هیئت مدیره اصلی و علی‌البدل به مدت دو سال ۶/ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل به مدت یک سال ۷/ تعیین حق الزحمه بازرس ۸/ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت ۹/ سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده می‌باشد.
هیئت مدیره

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۲۵۶۱۰۰۱۱۱ شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان گرمسار تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۲۵۶۱۰۰۴۱۷
خواهان: آقای مصطفی ولی با وکالت آقای سیدحسین حسینی فرزند سیدمحمود به نشانی بلوار شهید بهشتی- روبروی سینما ابریشم- مجتمع تجاری خلیج فارس- طبقه اول واحد۳
خوانده: آقای رضا کلهر به نشانی سمنان- گرمسار زندان لجران
خواسته: مطالبه وجه چک
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق‌العاده/ مقرر جلسه شورای حل اختلاف مرکزی گرمسار به تصدی امضاءکننده ذیل تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل به صدور رای مبادرت می‌نماید.
رای شورا:
در خصوص درخواست آقای مصطفی ولی فرزند رحمان با وکالت آقای سیدحسین حسینی به طرفیت رضا کلهر به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به شماره ۹۸۹۸۴۶-۹۴/۷/۱۰ به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه حامل به عهده بانک کشاورزی سمنان که به نام مصطفی ولی منتهی به گواهی عدم پرداخت شده است و بانضمام احتساب خسارت تاخیر تادیه از مورخه ۹۴/۷/۱۰ لغایت اجرای حکم و نیز احتساب خسارات دادرسی و حق‌الوکاله با توجه به اوراق و محتویات و کپی مصدق شده چک و گواهی عدم پرداخت آن و با عنایت به اینکه خوانده علیرغم ابلاغ و از طریق نشر آگهی در جلسه رسیدگی حضور نیافته و دفاعی دال بر پرداخت ذمه خود ارائه نکرده است لذا خواسته خواهان وارد دانسته و با استناد مواد ۵۲۲-۱۹۸-۵۱۵-۵۱۹ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۳۱۰-۳۰۹-۳۰۷ قانون تجارت و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/۱۰ حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل بدهی و مبلغ ۲/۹۵۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک لغایت اجرای حکم که توسط اجرای احکام بر مبنای شاخص نرخ تورم محاسبه و ایصال می‌شود در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد رای صادره غیابی و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در شورا و ظرف همین مدت قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی حقوقی گرمسار می‌باشد.
قاضی محترم شعبه دوم شورای حل اختلاف گرمسار- ابراهیم‌زاده

آگهی احضار متهم
آقای حمید ارشدی‌فر فرزند داور نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۳/۹۵۰۵۰۸د به اتهام توهین و ضرب و جرح عمدی از طرف این دادسرا تحت تعقیب قرار دارید بدینوسیله در راستای ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به شما ابلاغ می‌گردد تا ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی در شعبه سوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب تنکابن جهت پاسخگویی به اتهام خویش حاضر شوید. در صورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی موضوع رسیدگی و اظهارنظر می‌گردد.
دادیار شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان تنکابن
رحیم امینی
م الف ۹۵/۸۷۰

آگهی حصر وراثت
آقای جمیل شهرت عبیات نام پدر لفته بشناسنامه ۴۴ صادره از اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان مرحوم لفته شهرت عبیات بشناسنامه ۵۵۲۹ صادره دشت آزادگان در تاریخ ۹۴/۸/۵ در شهر اهواز اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر (فرزند ذکور متوفی) ۲- جمیله عبیات بشناسنامه ۵۶۶۶ صادره اهواز ۳- جلیله عبیات بشناسنامه ۸۴۲ صادره اهواز ۴- سهیلا عبیات بشناسنامه ۳۳۲ صادره اهواز ۵- خدیجه عبیات بشناسنامه ۴۴۴۰ صادره اهواز ۶- فاطمه عبیات بشناسنامه ۱۷۴۰۲۲۱۳۷۰ صادره اهواز ۷- لیلا عبیات بشناسنامه ۱۷۴۱۱۴۲۳۴۲ صادره اهواز (فرزندان اناث متوفی) ۸- جسومه ساعدی بشناسنامه ۲۶۵۵ صادره اهواز (زوجه متوفی) ولاغیر بشرح دادخواست تقدیمی کلاسه ۹۵۰۴۸۷/۸/۹۵ح می‌باشد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز- اسلامی

«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»
نظر به اینکه مساحت در رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۷۰۰۱۰۱۰۰۲۴-۹۴/۳/۲۳ برابر رأی اصلاحی شماره۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۰۸۶۹ - ۹۵/۲/۲۰هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تغییر و اصلاح گردید (افزایش مساحت به میزان ۲/۲۱مترمربع) و لذا بدینوسیله تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای جواد سواری فرزند کاظم به شماره‌شناسنامه ۱۹۵۴ صادره از دشت آزادگان به شماره‌ملی ۱۹۸۸۶۹۸۷۱۵ در یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۵/۱۸مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۵۷/۱ باقیمانده بخش ۳ اهواز خریداری شده موضوع سهام شماره ۹۷۸۶ کوی باغات شاه سهمی آقای حسن کورس (مالک رسمی) که قبلاً طی ارائه وکالتنامه رسمی و قولنامه‌های عادی به متقاضی انتقال یافته محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۹/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۹۵/۱۰/۱۵
اسفندیاری‌نیا
۵/۳۹۳۰م‌الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۲۵۶۱۰۰۲۱۵ شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان گرمسار تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۲۵۶۱۰۰۳۷۹
خواهان: آقای محمدرضا خانی امین‌آبادی فرزند اسماعیل با وکالت آقای سیدحسین حسینی فرزند سیدمحمود به نشانی بلوار شهید بهشتی- روبه‌روی سینما ابریشم- مجتمع تجاری خلیج‌فارس- طبقه اول واحد۳
خوانده: آقای مجتبی وکیل‌منش فرزند عبدالله به نشانی سمنان گرمسار روبه‌روی دانشگاه آزاد ساختمان آفتاب بلوک ۲ واحد۲۵
خواسته: مطالبه وجه بابت
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق وجری تشریفات قانونی در وقت فوق‌العاده/ مقرر جلسه شورای حل اختلاف مرکزی گرمسار به تصدی امضاکننده ذیل تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل به صدور رأی مبادرت می‌نماید.
رأی شورا:
درخصوص دعوی خواهان آقای محمدرضا خانی امین‌آبادی فرزند اسماعیل به وکالت آقای سیدحسین حسینی به طرفیت آقای مجتبی وکیل‌منش فرزند عبدالله به خواسته مطالبه مبلغ شصت و شش میلیون ریال بابت یک وجه فقره چک به شماره سریال ۱۳۵۷۵۵ مورخ ۹۵/۴/۱ و هزینه‌های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۹۵/۴/۱ لغایت اجرای حکم و حق‌الوکاله وکیل با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و محتویات پرونده و تصویر مصدق چک مربوطه و گواهی عدم پرداخت صادره از بانک محال علیه و اظهارات وکیل خواهان در شورا و نظر به اینکه اشتغال ذمه خوانده محرز گردیده و خوانده در هیچ یک از جلسات رسیدگی حضور نیافته و هیچگونه دلیل معتبری بر برائت ذمه خویش به شورا ارائه ننموده است لذا شورا دعوی خواهان را ثابت دانسته و مستند به مواد ۳۱۴ و ۳۱۰ قانون تجارت و ماده ۵۲۲ و ۵۱۹ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ شصت و شش میلیون ریال بابت اصل خواسته و خسارت دادرسی به مبلغ ۱۶۲۵۰۰۰ ریال و حق‌الوکاله وکیل و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ صدور چک (۹۵/۴/۱) تا زمان وصول براساس شاخص نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌گردد که در اجرای احکام مدنی محاسبه و پرداخت خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رأی صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف ۲۰ روز دیگر قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی حقوقی گرمسار می‌باشد.
قاضی محترم شعبه دوم شورای حل اختلاف گرمسار- سعادتی‌نژاد

برگ سبز خودرو کامیون کمپرسی ال‌کا ۳۶/۲۶۲۴ به شماره پلاک ۴۴۵ ع ۹۷ - ایران ۱۴ به رنگ نارنجی معمولی مدل ۱۹۷۵ و شماره موتور ۱۰۶۴۳۳ و شماره شاسی ۵۱۵۸۲۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

احتراماً به عرض می‌رساند اینجانب کارشناس پرونده به شماره ۹۴۰۴۸۰ به طرفیت خواهان آقای حسن صفری و خوانده شرکت تعاونی مسکن مهر بلوک ۲۳ درخصوص پرونده فوق با حضور نماینده کلانتری ۱۱ و خواهان به همراه کلیدساز که به دستور جناب عالی حضور بهم رسانده در محل انبار آن شرکت حاضر شدیم و پس از آمار گرفتن اقلام ذیل و مطالعه پرونده و تحقیقات جانبی و استعلام متعدد به قرار زیر اعلام می‌گردد.
۱- پنجره PVC، ۸ عدد به قیمت هر یک ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال که جمعاً ۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. ۲- روشویی ۱ عدد به قیمت ۷۰۰/۰۰۰ ریال. ۳- چهارچوب درب آهنی ۸ عدد که قیمت هر عدد ۷۵۰/۰۰۰ ریال که جمعاً معادل ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۴- سه راهی گاز آهنی به تعداد ۴۰ عدد به قیمت هر عدد ۲۰۰/۰۰۰ ریال که جمعاً معادل ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۵- جعبه فیوز به تعداد ۲۵ عدد به قیمت هر عدد ۱۲۰/۰۰۰ ریال که جمعاً معادل ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۶- لولای درب به تعداد ۱۰۰ عدد به قیمت هر عدد ۳۵۰۰ ریال که جمعاً معادل ۳۵۰/۰۰۰ ریال. ۷- اتصال آهنی گاز ۱/۴ و ۱/۲ تعداد ۱۰۰ عدد به قیمت هر عدد ۹۰/۰۰۰ ریال که جمعاً معادل ۹/۰۰۰/۰۰۰ریال. جمع کل اقلام اعلام شده بالا به مبلغ ۴۶/۲۰۰/۰۰۰ریال، معادل چهل و شش میلیون و دویست هزار ریال می‌باشد.
شعبه چهارم اجرای مدنی دادگستری استان سمنان

آگهی مزایده
شرکت کشت و دام قیام اصفهان در نظر دارد دامها و اقلام ذیل را از طریق برگزاری مزایده در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۸ بفروش برساند، لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت شرکت در جلسه مذکور به آدرس دفتر مرکزی شرکت، پلیس راه اصفهان، تهران- کیلومتر ۹ جاده علویجه راس ساعت ۱۱ صبح مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۳۱-۳۳۸۰۴۳۳۴
۴۰ رأس گاو کشتارگاهی غیرآبستن، ۸ رأس تلیسه غیرآبستن، ۲۰۰ رأس تلیسه باردار داشتی، ۱۴۰ رأس گوساله شیرخوار، ۱۵۰ رأس گوساله قطع شیر

«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»
برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۳۳۲۲- ۹۵/۶/۸ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای جواد سواری فرزند کاظم بشماره شناسنامه ۱۹۵۴ صادره از دشت آزادگان به شماره ملی ۱۹۸۸۶۹۸۷۱۵ در یک باب ساختمان به مساحت ۳۰۲۰/۰۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۸/۲۵ بخش ۹ اهواز خریداری شده موضوع سهام شماره ۵۶۷ الی ۵۷۰ کوی باغات شاه سهمی آقای محمدرضا تهرانی(۵۶۷)، علی زریع زارع (۵۶۸ و ۵۶۹) و محمود قلیچ‌خانی (۵۷۰) (مالکین رسمی) که طی ارائه قولنامه عادی به متقاضی انتقال یافته محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۹/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۹۵/۱۰/۱۵
۵/۳۹۳۲ م/الف اسفندیاری‌نیا- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۸۷۴۰۱۰۰۹۵۰ شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان سقز تصمیم نهایی شماره ۹۴۰۹۹۷۸۷۴۰۱۰۱۲۹۰
خواهان: مدیریت بانک قوامین استان کردستان با نمایندگی آقای کامران ابراهیم‌زاده فرزند حسن به نشانی شهرستان سقز بلوار وحدت
خوانده: آقای فضل‌اله حسن‌وند به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه وجه چک
گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.
«رأی دادگاه»
درخصوص دعوی مدیریت شعب بانک قوامین استان کردستان شعبه جمهوری سقز به طرفیت خواندگان فضل‌اله حسن‌وند فرزند سیدیوسف به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به میزان ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره ۵۲۷۱۴۶- ۹۳/۱۰/۲۲ با احتساب هزینه دادرسی و همچنین خسارت تاخیر تادیه با توجه به اینکه چک مستند دعوی در ید خواهان صادر گردیده و صادرکننده این گونه اسناد مطابق وصف تجردی اسناد تجاری به عنوان یک اماره قانونی مشغول‌الذمه برابر دارنده آن شناخته می‌شود و استحقاق دریافت وجه مندرج در آن را از صادرکننده دارند و نظر به اینکه خوانده نسبت به دعوی و مستندات آن هیچگونه ایراد و دلیلی که برائت ذمه وی را مدلل بدارد به دادگاه ابراز و اقامه نکرده و مستندات خواهان نیز دلالت بر اشتغال ذمه وی دارد لذا دادگاه با احراز اشتغال ذمه خوانده دعوی خواهان را ثابت تشخیص و به استناد ماده ۳۱۳ و ۳۲۰ قانون تجارت و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۴۲۰/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی و همچنین خسارت تاخیر تأدیه نسبت به خواسته (محکوم به) از تاریخ سررسید چک لغایت زمان اجرای حکم در حق و له خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی محسوب و بدوا ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابلیت واخواهی در شعبه رسیدگی دادگاه دارا بوده و پس از مضی مهلت تعیین شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابلیت تجدیدنظرخواهی را در مرکز استان دارا می‌باشد.
رئیس شعبه اول دادگاه مقوقی سقز- بهادر اسدی
رونوشت برابر با اصل و اداریست: مدیر دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی سقز- لیلا معروفی
۱۸۰۵م‌الف

شناسنامه مالکیت و شماره پروانه (شماره ارزیابی) خودرو سواری هاچبک فورد فوکوس به شماره پلاک ۱۲۲۵۴ - اروند به رنگ سفید مدل ۲۰۰۸ و شماره موتور SHDA۸VR۱۹۷۱۴ و شماره شاسی WF۰TD۳۵L۶۸VR۱۹۷۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سمند LXEF۷CNG به شماره پلاک ۶۷۸ ل ۷۸ - ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۴۷H۰۰۹۴۱۵۳ و شماره شاسی NAACJ۱JC۹EF۱۷۳۶۶۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی ابلاغ اجرائیه ۹۴۰۰۱۷۶
شماره نامه: ۱۳۹۵۰۴۹۲۹۱۱۴۰۰۰۵۹۷
تاریخ نامه: ۱۳۹۵/۵/۴
شماره پرونده: ۱۳۹۴۰۴۰۲۹۱۱۴۰۰۰۱۴۶/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۴۰۰۱۷۶
بدینوسیله به آقای اسماعیل عابدینی به آدرس: تهران - تهرانپارس ۲۰۲ غربی پلاک ۱۰ واحد ۱۲ - مریم عابدینی به آدرس: تهران اختیاریه جنوبی خیابان رازقی شمیرانی پلاک ۹ واحد ۸ - عبداله فتحی آذر به آدرس: تهران پاسداران خیابان بوستان ۷ غربی ساختمان ۷ واحد ۱۱ فعلا مجهول‌المکان می‌باشند بانک رفاه کارگران شعبه ایوانکی به موجب قرارداد وام شماره ۴۲۳۸۶۰۰۰۲ نسبت به وصول مبلغ ۷۵۹۴۴۷۱۱۶ ریال بابت اصل طلب و خسارات تا تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۱ که بعد از آن روزانه ۱۶۶/۸۶۰ ریال به آن اضافه می‌گردد علیه شما تقاضای صدور اجرائیه نموده که پرونده به کلاسه ۹۴۰۰۱۷۶ در این اجرا تشکیل و چون بر طبق گزارش مامور اجرا، ابلاغ اجرائیه در نشانی تعیین شده در متن اجرائیه میسر نگردیده و بستانکار هم نمی‌تواند موقعیت مکانی یا سکونت شما را معرفی نماید لذا با تقاضای بستانکار و ماده ۱۸ - اصلاحی آئین‌نامه اجرا مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، اجرائیه صادره فوق‌الذکر در یک نوبت در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌شود چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز رسمی ابلاغ اجرائیه محسوب می‌گردد اقدام به پرداخت بدهی خود ننمایید عملیات اجرایی برابر مقررات علیه شما تعقیب می‌گردد لازم به تذکر است که بجز این آگهی و آگهی مزایده در صورت بازداشت اموال فقط یکبار منتشر و آگهی دیگری صادر و منتشر نخواهد شد.
قنبری - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرمسار

آگهی المثنی سند مالکیت پلاک ۹/۱۷۳۷۲ بخش ٤ اندیمشک
آقای محمدرضا کوکلاه وکیل وراث مرحوم روبخیر سگوند طبق وکالتنامه شماره ۱۷۰۲۳- ۹۵/۹/۹ تنظیمی دفترخانه ۱۲۶ کرج و آقای علیرضا کوکلا با تسلیم دو برگ استشهاد تنظیمی دفترخانه ۲۷۱ اندیمشک مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۹/۱۷۳۷۲ واقع در بخش ۴ اندیمشک که در صفحه ۶۷ دفتر ۸۴ ذیل ثبت ۱۶۴۳۸ به نام مشارالیه ثبت و سند مالکیت آن به شماره چاپی ۶۰۱۳۶۸ صادر و تسلیم گردید حسب اعلام متقاضی به علت جابجایی مفقود گردیده و درخواست سند المثنی را نموده است. لذا به دستور تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود که هر کس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به این اداره تسلیم دارد در غیر این صورت پس از سپری شدن مدت مقرر قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی به نام مالک صادر خواهد شد.
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اندیمشک - بهادری

آگهی مناقصه عمومی
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه با موضوع واگذاری مدیریت کلینیک تخصصی دندانپزشکی شهرستان سمنان اقدام نماید. متقاضیان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه و ثبت‌نام به سایت این دانشگاه به آدرس www.semums.ac.ir مراجعه و پیشنهاد قیمت خود را حداکثر تا تاریخ ۹۵/۱۰/۱۲ ارائه نمایند.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۳-۳۳۴۴۸۹۹۴ داخلی ۲۲۶۲ تماس حاصل فرمائید.
روابط عمومی دانشگاه

آگهی تغییرات شرکت تولیدی موتورسیکلت برقی لیتیوم پدیده پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۶۱۰۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۴۷۴۵۱
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد.
آقای باقر اسمعیلی با کد ملی ۴۴۹۰۱۲۴۵۵۴ به جای آقای نصرالـه گلبابائی به عنوان مدیرعامل برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید هاچبک ۱۱۱ به شماره پلاک ۸۵۶ ط ۲۳ - ایران ۱۴ به رنگ نوک مدادی - متالیک مدل ۱۳۸۹ و شماره موتور ۳۵۶۷۷۴۶ و شماره شاسی S۵۴۳۰۰۸۹۰۲۰۴۹۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره پلاک ۶۱۱ ل ۳۹ - ایران ۱۴ به رنگ مشکی - متالیک مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۴۴۷۴۵ و شماره شاسی NAAP۱۳FE۹CJ۴۲۷۶۸۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

«آگهی وقت اجرای قرار تحریر ترکه»
بدینوسیله اعلام می‌نماید به موجب درخواست طلا ارغش به طرفیت مریم پورمعین- الهام حاجیوند- معصومه و مهسا و احمد و عباس و غلامرضا و بهزاد و محمد و مصطفی و محسن حاجیوند قرار تحریر ترکه مرحوم علی‌آقا حاجیوند اموال منقول و غیرمنقول پرونده کلاسه ۳۵۳/۲/۹۵ح در شورای حل اختلاف شعبه ۲ صادر وقت رسیدگی و اجرای قرار مورخ ۹۵/۱۲/۷ ساعت ۱۰/۳۰ تعیین گردیده. لذا از ورثه یا نماینده قانونی آنان بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگر که حقی بر ترکه متوفی دارند دعوت می‌شود در موعد مقرر در دادگستری اندیمشک شعبه ۲ شورای حل اختلاف مراجعه نمایند.
مسئول دفتر شعبه ۲ شورای حل اختلاف اندیمشک

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۸۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پل دختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محسن کرمی فرزند هرمز بشماره شناسنامه ۳۰۱۲ صادره از پلدختر در ششدانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۱۶۰ مترمربع پلاک ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در کاوکالی پلدختر بخش ۷ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای تصورحاجی‌پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۹/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۹/۲۹
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۸۶۵ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ هیئت اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پل دختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عزیزاله جعفری فرزند تیپه بشماره شناسنامه ۶۱۱ صادره از پلدختر در ششدانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۱۳۷ مترمربع پلاک۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در کاوکالی پلدختر بخش ۷ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای طاهر طاهری‌پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۹/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۹/۲۹
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۸۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پل‌دختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای روح‌الله اصلانی فرزند حاجی‌مراد بشماره شناسنامه ۸۷۳۱ صادره از پلدختر در ششدانگ عرصه و اعیان یکباب عمارت مسکونی به مساحت ۱۲۶ مترمربع پلاک ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در کاوکالی پلدختر بخش ۷ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای طاهر طاهری‌پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۹/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۹/۲۹
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر